



۲۰۱۶/۰۴/۱۱

استاد محمد ظریف امین یار

## لعزاد در پاسپورت انگلیسی اش چه نوشته است؟ تاجک یا انگلیس

در حالیکه افغانستان در آستانه گذار از آسیب های بحرانی و جنگهای داخلی 35 سال اخیر قرار دارد و تا اکنون نیز زخم های این سرزمین تازه هست و نیاز به مرهم و ترحم دارد، بعضی عناصر ضد ملی و تخریب گر هم در داخل کشور و هم از خارج سعی دارند افغانها هیچگاه ملت نشوند. یکی از این چهره های ضد ملی ، خاین و جاسوس آقای لعزاد هست. ایشان در مقاله اخیر خود زیر عنوان چرا روشنفکران پشتون خاموش اند؟ سعی کرده افغانها را به تفرقه دعوت کنند و ملت بزرگ پشتون را حامی یکه تازی، انحصار طلبی، بیسوادی، فقر ، جهل مرکب ، تحمیل هویت قومی در شناسنامه و ناکارآمدی در امور حکومتداری متهم نموده است. او استدلال دارد که درج کلمه افغان در تذکره های هویت امر تحمیلی بالای دیگر ملیت های افغانستان است. خواستم در این مقاله کوتاه در مورد عناصر ضد ملی نظیر لعزاد و مانند آن دیگرانی که تولید سازمانهای سیاه دیگر کشورها هستند و یگانه هدف شان ایجاد تفرقه و فاصله بین ملیت های شریف و جدا ناشدنی افغانستان عزیز است چند نکته ای برای هموطنان غیورم توضیح دهم تا باشد که اذهان عامه در این مورد بیشتر روشن گردد .

سعی میکنم در این جا بحث را بیشتر به طوری عام فهم توضیح دهم، زیرا از بحث روی مسایل پیچیده منطق ، عقلانیت و فلسفه میگذریم و مستقیماً حقایق را بگونه آشکارا توضیح میدهم. افغانستان کشوری بود که در مسیر تاریخ خود هیچگاه نتوانسته بود حدود سرحدات سیاسی و جغرافیایی خود را مشخص کند و موضوع بعنوان یک معضله به مشکل بسیار بزرگ برای ساکنین این جغرافیه مبدل شده بود. متأسفانه مناطق مختلف این سرزمین(نه کل افغانستان) گاهی زیر امپراطوری هندوستان و گاهی هم زیر امپراطوری پارسیان و یا هم دیگر امپراطوری های آن زمان قرار میگرفت. این کشمکش ادامه داشت و ساکنین این جغرافیا همواره شکار امپراطوری های گوناگون قرار گرفته از بعد سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی، و فرهنگی آسیب پذیر میشدند. قابل ذکر است که حتی در زمانیکه هنوز حدود سرحدات سیاسی و جغرافیایی این قلمرو مشخص نبود ساکنین این سرزمین مقدس را بنام افغان یا پتان یاد میکردند. مراجعه به تاریخ حاکی حقیقتی است که افغانستان سالهای زیادی شکار دگرگونی در خصوص جغرافیای سیاسی و طبیعی خود قرار داشت و ملیت های که در این جغرافیه زندگی میکردند بدون یک نظام واحد، سرحدات مشخص ، و نام کشور بسر میبردند.

افغانستان زمانی بعنوان یک کشور مستقل دارای حدود سرحدات سیاسی و جغرافیایی شد که احمد شاه بابای بزرگ ظهور کرد. احمد شاه بابای بزرگ بر اساس پیشینه تاریخی و انترپولوزیک این سرزمین ، نام آن را افغانستان یعنی کشوری برای افغانها گذاشت. ناگفته نماند که کلمه افغان از لحاظ لنگیوستیک یک کلمه پارسی بوده و به تمام اقوام این سرزمین اطلاق میشود. ماده ۴ قانون اساسی کشور در رابطه به اطلاق کلمه افغان به همه اقوام این کشور بسیار به صراحت حرف میزند. اعتقاد دارم برای این جغرافیه بزرگترین دست آورد تاریخ سیاسی آن مشخص شدن حدود سرحدات آن است در غیر آن افغانها هنوز هم شاید در تکاپو شناخت خود در جهان میبودند. این دست آورد بزرگ را کدام کسی دیگر نه بلکه یکی از امپراطور های بزرگ منطقه و یک پشتون بدست آورده است. ما باید مدیون احسان احمد شاه بابای بزرگ باشیم که لعزاد و اشخاص دیگر مانند او را شناخت جغرافیایی هدیه کرد، در غیر آن بی سرنوشت و در عالم ناشناختی ارزش یک توت را هم نمی داشتند.

پشتونها و تمام اقوام این سرزمین در مسیر تاریخ همواره افتخار آور بوده اند. مناسب است تا ذکر گردد که قبل از درانی ها این سرزمین شکار امپراطوری ها بود اما بعد از آن افغانستان امپراطور

شد. قبل از درانی ها ما در تلاش شناسایی و حفظ سرحدات خود بودیم ، لیکن بعد از آن ما دنبال توسعه سیاسی رفتیم. توسعه اسلام و توسعه حکمرانی توسط افغانها در کشورهای منطقه مگر دست آورد درانی ها نبوده؟ آیا آزادی افغانستان توسط غازی امان الله خان دست آورد کمی بنظر میخورد؟ در وضعیتی که انگلستان در اکثر ممالک امپراطوری خود را تامین کرده بود وقتی به افغانستان میرسد پوز و دماغ آنها به زمین مالیده میشود و شکست میخورند آیا افتخار و دست آورد بزرگتری از این در دین و فرهنگ افغانی موجود هست؟ اینکه بعداً ما نتوانستیم غرور و غیرت ملی، افتخارات و دست آوردهای بزرگمان مان را حفظ کنیم عاصی ما هستیم نه بانیان این سرزمین مقدس.

وقتی از یکه تازی و قدرت طلبی و عدم رعایت عدالت اجتماعی صحبت میکنیم باید قضیه افغانستان را همه جانبه مدنظر بگیریم. شما میدانید باوجودیکه پشتونها اکثریت مطلق را در این سرزمین تشکیل میدهد هیچگاه اقوام دیگر را از ساختار های سیاسی دور نه انداخته اند و این امر نشانگر زعامت ملی و حس وطن دوستی پشتونها را آشکار میسازد. قاعده عمومی در جهان این است که هر آن قومی که اکثریت را تشکیل میدهند ، زبان آن در امور حکومتداری بعنوان زبان رسمی کشور شناخته میشود اما زمامدارن پشتون باوجودیکه این قاعده را بخوبی میدانستند هیچگاه تلاش نکرده اند زبان را بالای مردم تحمیل کنند حتی برعکس قاعده عام را نیز ما شاهدش هستیم.

در بعد وطن پرستی و وطن دوستی هیچ قومی دیگر همانند پشتونها در طول تاریخ نه قربانی داده اند و نه هم در تلاش حفظ سرحدات سیاسی کشور بوده اند. من بسیار به صراحت میگویم اگر پشتون یکروز هم دست از دفاع وطن بردارد دیگر کشوری بنام افغانستان در جغرافیای جهان نخواهند ماند. حتی در این اواخر ما شاهد آن هستیم که قضیه تجزیه افغانستان از جانب رهبران قوم تاجک چندین بار برنامه ریزی شده بود اما خوشبختانه ملت آگاه هست و همواره تیر رهبران جاسوس را به زمین میزند و افغانیت خود را به نمایش میگذارند. مدارک و اسناد مؤثق نشان میدهد که در دوران بعد از جهاد در مورد تجزیه افغانستان رهبران جهادی تاجک (هدف از عده دخیل این قضیه هست نه کل رهبران) برنامه ریزی های را با همکاری کشورهای منطقه انجام داده بودند که بعداً افشا شد.

در بحث حکومتداری باید گفت که در طول تاریخ افغانستان ما شاید هستیم هر زمانیکه حکومت به غیر از پشتونها افتید جز از فاجعه و بحران چیزی دیگر را بعنوان دست آورد در تاریخ نتوانستند ثبت نمایند. مثلاً زمانیکه بچه سقاو که یک رهن بود و همه کتابهای تاریخی این موضوع را تایید میکند، به حکومت میرسد اولین اقدامش تاراج خزانه ملی و متوقف ساختن پروسه اصلاحات غازی امان الله خان بود. او همه مکاتب را مسدود کرد ، دختران را از مکتب رفتن کاملاً منع قرار داد و به پسران حکم داده شد که بجای مکتب باید مدرسه بخوانند. بعوض کتابهای ساینسی کتابهای مدارس جایگزین شد و تمام دست آوردهای امان الله خان بزرگ چه در بعد قوانین ، اقتصاد و یا هم اصلاحات بود از بین رفت. نتیجه حکومت او نیز بوجود آوردن بحران در کشور بود که در تاریخ ثبت است. اگر رژیم مجاهدین به رهبری استاد برهان الدین ربانی را مثال بزیم معلوم میشود که در آن زمان نه تنها که چیزی بنام حکومت وجود نداشت بلکه در کنار تاراج خزانه و دارایی های ملت، حد اقل 65000 کابلی مظلوم را در جنگ نامشروع شهید کردند و بالاخره آنقدر ظلم، ستم و

دهشت افزایش یافت که زمینه را برای رژیم طالبان که همچنان یک رژیم سیاه بود فراهم ساخت. ناگفته نمانده زمانیکه طالبان تازه ظهور نمودند، استاد ربانی به آنها لقب فرشته های نجات را نثار کرد که این موضوع در ذات خود نشان دهنده دیدگاه افراطی استاد ربانی بود.

اگر آقای لعلزاد و امثال آن به زمامداری پشتونها در افغانستان اعتراضی دارند باید نمونه های توان و ظرفیت زمامداری را در بین قوم خود شناسایی کنند و آن را تبارز دهند، تا باشد تاریخ سیاه سیاسی خود را به تاریخ زرین مبدل کنند. من شخصاً در آرزوی آن یومی هستم که رییس جمهور افغانستان فردی غیر از پشتون باشد و به آرای ملت انتخاب شده باشد. آن روز ظهور افغانستان نوین را شاهد خواهیم بود. سخن بی مورد را هر کس میتواند گفت اما سخنی عقلایی و حقیقی که از روشنفکری سرچشمه میگیرد آن را یک فرد وقتی میتواند به زبان بیاورد که آن فرد نخست تعصب را در وجود خود بکشد و بعداً بسوی ارزشهای انسانی حرکت نماید.

پرسش من از لعلزاد این است که در پاسپورت انگلیسی اش چه نوشته است؟ انگلیس یا تاجک. شما خودتان قضاوت کنید لعلزاد میتوانید برای ماندن در کشور برتانیا از هویت افغان و بقول خودش تاجک اش بگذرد و آن را به انگلیس تبدیل کند، اما نمیخواهد هویت با افتخار افغان را در تذکره خود که اصلاً دیگر واجد شرایط آن هم نیست ثبت کند. باوجودیکه برای من شخصاً هویت اصلاً مفهومی بجز از وابستگی به یک سرزمین و قلمرو خاص نمیدهد چون همه جهان آفریده الله تعالی هست و انسان استقلالیت دارد و میتواند در هر کشوری زندگی کند. اما این بدین معنی نیست که وطنم را دوست نداشته باشم، وطنم جانم هست و برای دفاع از آن از جان و مال خود میگذرم. لیکن آرزو دارم روزی برسد که انسانها در آن مرحله تکامل برسند که دیگر حدود سرحدات سیاسی، تمیز رنگ و بوی مطرح نباشد بلکه انسانیت را اصل قرار دهند.

طوریکه شما هم میدانید در حال حاضر اکثریت پشتونها مظلوم واقع شده اند، نه تنها پشتونها بلکه تمام اقوام افغانستان برای تحقق حقوق خود ناتوان، غافل و مظلوم اند. اما بیشترین قربانی را در طول تاریخ و در این ۱۵ سال قوم پشتون متحمل شده است. مثلاً هم در صفوف اردوی ملی نسبت بزرگ را پشتونها تشکیل میدهد و هم در صفوف مخالفین. یعنی از هر دو طرف قربانی اصلی را پشتونها میدهند و با گذشت هر روزی از میدان سیاسی دور انداخته میشوند، اقتصادشان از بین میروند و اطفال و جوانان آن بی تعلیم و تحصیل باقی میمانند. باوجودیکه پشتونها در قدرت هستند نسبت شراکت قوم پشتونها در ساختار حکومتی آن قدر کم هست که غیر قابل توجیه پنداشته میشود.

در این ۱۵ سال یک تیم خاص قوم پشتون در رده های بلند بطور سمبولیک و تشریفاتی قرار گرفته و عملاً برای حفظ آن عمدتاً به دیگر اقوام مبادلات و تنش های سیاسی دارند که هیچ ربطی به اکثریت مطلق قوم مظلوم پشتون ندارد. اگر قضاوت منصفانه صورت بگیرد قربانی اصلی نظام دموکراتیک افغانستان پشتونها هستند. در این وضعیت اشخاص ضد ملی و انسانی مانند لعلزاد با گرفتن پول از سازمان های کشورهای تفرقه افکن می آید و سعی دارند تا اقوام غیر از پشتون را به ضد پشتونها تحریک کنند. این حرکات نه تنها که اخلاقی نیست بلکه خیانت به ملت بزرگ و فداکار افغانستان است. اما بیاد داشته باشند که افغانستان همواره زنده بود و هیچ کسی نخواهد توانست این کشور بزرگ را نابود سازد. من در حال حاضر هیچ فامیلی تاجکی را سراغ ندارم که

د پانوی شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

خون شان به پشتونها مخلوط نشده باشد و برعکس. پس لعلزاد از کدام تاجک یا پشتون سخن میگوید  
حالا که اینجا همه یکی شده اند !

موضوع جنجال بر سر تذکره های الکترونیک و عدم ذکر ملت و دین در آن، یک توطیه و دسیسه بزرگ از جانب یکتعداد عناصر خاین و ضد افغانستان است. من از همین تریبون مجازی میخواهم بگویم که هر فردی که در این جغرافیه یعنی افغانستان زندگی میکند و خود را افغان نمی گوید خاین ملت است و ناقض قانون اساسی کشور میباشد و باید محاکمه شود. اما متأسفانه عده قلیل وطن فروشان ، اجنتان و قوم فروشان ، خود را بعنوان وکلای و حافظان منافع اقوام معرفی کرده و در تلاش اند که اقوام نجیب و غیور افغانستان را به حيله و نیرنگ اربابان شان ، به جان هم بیندازند. این خاینین از این طریق میخواهند به منافع نامشروع، ضد ملی و ناجوانمردانه خود دست پیدا کند و این درد بزرگ است برای هر فرد آگاه و وطن دوست که فقط با وحدت ملی ، فهم دینی، روشنفکری و شعور سیاسی یک ملت مداوا میشود. به امید روزیکه هیچ افغانی دیگر از هویت ملی خود انکار نکند و بالای آن افتخار کند.

---

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ